

علما و مراجع



پیرامون جایگاه و اهمیت  
خدمات رسانی اجتماعی







## کلمه‌ی الهی العلیا

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ مَا  
أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ... ﴿٢٦٢﴾

کسانی که اموالشان را در راه خدا انفاق می کنند، سپس  
منت و آزاری به دنبال انفاقشان نمی آورند، برای آنان نزد  
پروردگارشان پاداشی شایسته و مناسب است...

## فهرست مطالب

- |    |  |    |  |
|----|--|----|--|
| ۲۶ | سقای نجف و قحطی آب.....                    | ۶  | سدسازی یک مرجع تقلید در کربلا.....         |
| ۲۷ | پیراهنش را برای فقیر درآورد.....           | ۷  | دیگ مسی را من برده‌ام.....                 |
| ۲۸ | زندگی در پستوی اتاق به خاطر همسایه... ..   | ۸  | اجاره نانوائی برای فقرای نجف.....          |
| ۲۹ | حق ندارید جلوی مردم را بگیرید.....         | ۹  | سرمان دردِ خدمت به خلق دارد.....           |
| ۳۰ | اگر می‌دانستی که یهودی بودی.....           | ۱۰ | دادستانی که مهریه پرداخت می‌کرد.....       |
| ۳۱ | لباسی که دیگران را منحرف می‌کند.....       | ۱۱ | فیلسوفی که با فقر شراکت داشت.....          |
| ۳۲ | پول عبادت استیجاری‌ام را به سید بدهید.. .. | ۱۲ | خدمت به خلق تا نیم ساعت قبل از فوت.. ..    |
| ۳۳ | پول یک چادر کم است.....                    | ۱۳ | همه املاک مرغوبش را وقف کرد.....           |
| ۳۴ | نزدیک‌ترین فرد به پیامبر.....              | ۱۴ | پیشکش غصبی.....                            |
| ۳۵ | قرارگاه جهادی در دل جنگ ایران.....         | ۱۵ | مجتهدی که مشکل گشا بود.....                |
| ۳۶ | شهادتی که ۲۰۰ خانه برای فقرا خرید.....     | ۱۶ | مدافع مذهب، مجاهد میدان خدمت .. ..         |
| ۳۷ | حمایت آیت الله از دختر روستایی.....        | ۱۷ | هم سهم با فقرا در ایام قحطی.....           |
| ۳۸ | ما فقط عامل کمک به دیگرانیم.....           | ۱۸ | مقابله با گران‌فروشان به نفع فقرا.....     |
| ۳۹ | وام بلاعوض علامه به فقرا.....              | ۱۹ | خدمت به مردم تا لحظاتی قبل از فوت....      |
| ۴۰ | فقرا محور توجه آیت‌الله.....               | ۲۰ | قرارگاه جهادی شیخ عبدالکریم.....           |
| ۴۱ | ثروتی که از آن هیچ نماند.....              | ۲۱ | مرجع تقلید و شهرسازی.....                  |
| ۴۲ | مرجعی که تجار را خادم فقرا کرد.....        | ۲۲ | خدمت به مردم، در کنار مدیریت.....          |
| ۴۳ | گرو گذاشتن منزل برای فقرا.....             | ۲۳ | بدهی طلاب را پرداخت می‌کرد.....            |
| ۴۴ | خدمت جهادی در بحران خشکسالی... ..          | ۲۴ | ایتام غذایی را بخورند، من قوت می‌گیرم.. .. |
| ۴۵ | شراکت با چند هزار فقیر.....                | ۲۵ | چرا به فقرا بیشتر کمک نکردی.....           |



منظومه معرفتی اسلام در این باره را که مشتمل بر صدها درس از لزوم انفاق و لزوم تعاون در برّ و تقوا و لزوم نفع رساندن به مردم و لزوم قیام به قسط و امثال این‌ها است، در برابر میلیون‌ها جوان کشور بگذارید. (بخشی از پیام امام خامنه‌ای علیه السلام خطاب به جهادگران؛ مرداد ماه ۱۳۹۸)

عطف به این فرمان صریح رهبر معظم انقلاب، دبیرخانه هماهنگی گروه‌های جهادی حوزه‌های علمیه، به حسب یکی از رسالت‌های ویژه خود مبنی بر تبیین و ترویج گفتمان خدمت‌رسانی، جستاری در منابع متعدد دینی داشته که نتیجه آن، تدوین مجموعه گرافیکی هفتگانه با عنوان منظومه جهاد شده است.

این منظومه که با همت طلاب پژوهشگر و هنرمند جهادی، روز به روز در حال افزایش و ارتقا می‌باشد، در حال حاضر مشتمل بر:

چهل گفتار اهل بیت علیهم السلام، چهل کردار اهل بیت علیهم السلام، چهل گفتار علما و مراجع، چهل کردار علما و مراجع، چهل گفتار از امامین انقلاب، چهل گفتار مدیر حوزه‌های علمیه (آیه‌الله اعرافی) و چهل تدوین صوتی (پادکست) از رهنمودهای علما و اساتید درباره جایگاه و اهمیت خدمات‌رسانی اجتماعی می‌باشد.

اثر حاضر، مجموعه چهل کردار علما و مراجع می‌باشد که تقدیم نگاه پرمهر شما عزیزان می‌گردد.









شیخ زین العابدین مازندرانی رضی الله عنه

## سد سازی یک مرجع تقلید در کربلا!

شیخ زین العابدین عراقی که از شاگردان صاحب جواهر و شیخ انصاری و مرجع تقلید جمعی از شیعیان بوده است درباره اش نوشته اند: روزی که در کربلا آب طغیان کرده بود، شیخ از شهر بیرون رفت و شخصا خاک برمی داشت تا جلوی آب را بگیرد. مردم چون دیدند که آن روحانی بزرگ برای سد سازی خاک برداری می کند به او تاسی کردند و همگی به پا خاستند و سدی در برابر آب بستند که تا چند سال باقی بود.

سیمای فرزندگان ص ۲۸۸



شیخ زین العابدین مازندرانی رضی الله عنه

## دیگ مسی را من برده‌ام!

روزی بینوایی به درب خانه او رفت و چیزی از او خواست. شیخ چون پولی در بساط نداشت، دیگ مسی را به او داد و گفت: «این را ببر و بفروش». دو سه روز بعد اهل منزل متوجه شدند که دیگ مسی نسیت و فریاد کردند که دیگ را دزد برده است. صدای آنان در کتابخانه به گوش شیخ رسید. او گفت که: «دزد را متهم نکنید؛ دیگ را من برده‌ام».

سیمای فرزندگان ص ۲۸۸



مرحوم آخوند خراسانی  
رحمة الله عليه

## اجاره نانوايي براي فقراي نجف!

هفتصد نفر از فقرا و ناتوانان و طلاب را همیشه نان می‌داد، و یک دکان نانوايي منحصر بود براي نان فقرا و ماهی قریب سیصد تومان پول نان می‌داد. گاهی که سه چهار ماه پولش تأخیر می‌شد، می‌فرمود: «هر وقت این مستمندان را که نان‌شان قطع شده می‌بینم خجالت می‌کشم!» به هر نحوی بود از جایی قرض می‌کرد، طولی نمی‌کشید که نان را برقرار می‌ساخت.

سیمای فرزندگان ص ۲۸۵





حضرت آیت الله بهجت

## سرمان درد خدمت به خلق دارد!

فرزند آیت الله بهجت نقل می‌کنند یک وقتی ایشان به من فرمود با همسایه‌های ارتباط داری؟ گفتم: خیر! گفتند: چرا ارتباط نداری؟! با همسایه ارتباط داشته باش! ما در نجف کسانی داشتیم که سرشان درد می‌کرد برای اینکه مشکل دیگران را پیدا کنند و حل کنند. می‌گفتیم: مگر شما بی‌کارید؟ می‌گفتند: نه! ما هر مشکلی از هر مؤمنی حل می‌کنیم، یک کرامت از حضرت امیرالمؤمنین (ع) می‌بینیم.

مرکز تنظیم و نشر آثار آیت الله بهجت



شهید آیت الله قدوسی رحمة الله عليه

## دادستانی که مهریه پرداخت می‌کرد!

از ویژگی‌های ایشان کمال سعی و کوشش در برآوردن و انجام دادن حوائج مؤمنان و تلاش برای حل مشکلات آنان بود. کسی نبود که مشکلی داشته باشد و به ایشان مراجعه کند، مگر آن‌که هر چه می‌توانست در حل آن می‌کوشید. فعالیت‌های زیادی برای کمک مادی به طلاب نیازمند می‌کرد اما کسی مطلع نمی‌شد، حتی گاهی مهریه ازدواج بعضی را خود می‌پرداخت. همچنین بعضی را صاحب و مالک خانه مسکونی می‌کرد و کسی مطلع نمی‌شد. وی تمامی مساعدت‌ها را پنهانی و بدون اطلاع دیگران انجام می‌داد.

سیمای فرزندگان ص ۲۹۴



مرحوم ملا هادی سبزواری  
رحمة الله عليه

## فیلسوفی که با فقرا شراکت داشت!

سالی چهل تومان به همراه سی خروار غله و ده بار پنبه درآمد ایشان بود. قسمتی را با کمال قناعت صرف مخارج خود می‌کرد و مابقی را به فقرا ایثار و انفاق می‌کرد. هر سال در دهه آخر صفر سه شب روزه خوانی می‌کرد و نان و آب گوشت به فقرایی که ناتوان و کور و عاجز بودند می‌خورانید و نفری یک قرآن نیز به آنها هدیه می‌داد. خمس و زکات مال خود را هر سال با دست خود به سادات و مستحقین می‌رساند.

سیمای فرزندگان ص ۲۹۴





آیت الله محمد تقی نجفی اصفهانی رحمۃ الله علیه

## خدمت به خلق تا نیم ساعت قبل از فوت!

آیت الله نجفی در مدت بیماری نیز همانند سال‌ها قبل از آن، در پی رفع مشکلات مردم بود. فرزند ایشان نقل می‌کند: مدت دو سال به بیماری سختی مبتلا شده و به شدت زمین گیر شده بود. در همین حال آخرین نامه‌اش به حکومت وقت، نیم ساعت قبل از وفات ایشان، سفارش در حق یک نفرستم دیده بود و آن شخص هنوز خود را به دارالحکومه نرسانده بود که صدای شیون از خانه ما بلند شد.

کتاب خانه مشروطیت اصفهان





آیت الله محمد تقی نجفی اصفهانی رحمۃ الله علیه

## همه املاک مرغوبش را وقف کرد!

آیت الله نجفی ملجأ و یاور بسیاری از مستمندان و ستم‌دیدگان عصر خویش بود. ایشان در همه حال در پی گره‌گشایی از مشکلات مردم بود. فرزندشان نقل می‌کند: پدر جمیع املاک مرغوب خود را وقف دائم برای مصارف احسان و نیکوکاری کرد و از باقی مانده اموال بعد از فوتشان نیز حسب الوصیه، یک سوم را برای مصرف خیرات و مبررات تخصیص داد.

گلشن ابرار جلد ۲ ص ۵۶۱



## مرحوم کاشف الغطاء پیشکش غصبی!

مکرر می شد مرحوم کاشف الغطاء وارد خانه‌ای می شد و تعریف از آن خانه می کرد، صاحب خانه عرض می کرد پیشکش شما است. شیخ می فرمود: قبول کردم! دوباره می فرمود: که اهل خبره آن خانه را قیمت می کردند و آن را به صاحب خانه می فروخت، و وجه آن را می گرفت و بین فقرا تقسیم می کرد. شیخ یقین داشت که این اشخاص مشغول الذمه هستند و به فقرا بدهکارند؛ به این وسیله مال فقرا را از غاصبین می گرفت و به فقرا رد می کرد.

قصص العلماء، ص ۱۹۵



آیت‌الله علی‌اکبر برهان رحمته‌الله‌علیه

## مجتهدی که مشکل‌گشا بود!

درب‌خانه ایشان (آیت‌الله برهان) به روی همه مراجعان باز بود. هر کس با هر نوع گرفتاری به نزد ایشان می‌آمد، دست‌رد بر سینه‌اش نمی‌خورد. چه بسیار فقرا و نیازمندان آبروداری که با نوشتن نامه به محضر ایشان عرض حاجت می‌کردند یا با مراجعه پنهانی به ایشان حاجت‌روا می‌شدند. مادر ایشان در اطراف کرج املاکی داشت و نسبتاً وضعش بد نبود. مرحوم برهان همه پول‌هایی که از مادر به ایشان رسیده بود را برای طلبه‌ها و افراد دیگر هزینه کرد.

سیری در زندگانی آیت‌الله شیخ علی‌اکبر برهان، ص ۱۹۳





مرحوم سید مرتضی  
رحمة الله عليه

## مدافع مذهب، مجاهد میدان خدمت

سید مرتضی فقیه و متکلم بزرگ شیعه در زمان خلیفه (قادر بالله) که شیعیان تحت فشار عباسیان بودند، برای اینکه مذهب شیعه رسمی اعلام شود و مردم از فشار حاکم آسوده شوند، حاضر شد صد هزار دینار را از طرف مردم از مال خود به حکومت بپردازد. ایشان پیوسته مراقب حال مستمندان بود و برای خانواده‌های نیازمند حقوق مشخص کرده بود.

سید مرتضی پرچمدار علم و سیاست ص ۶۰



مرحوم مقدس اردبیلی رحمة الله عليه

## هم سهم با فقرا در ایام قحطی!

در قحط‌سالی، تمام طعام خود را با فقرا تقسیم می‌کرد و برای خودش نیز مثل سهم يك فقیر بر می‌داشت، تا وقتی زوجه‌اش بر آشفت که چرا در چنین سالی فرزندان خود را بی‌آذوقه می‌گذاری؟ ایشان بدون اینکه جوابی بدهد برای اعتکاف به مسجد کوفه رفت و در همین حین شخصی مقدار زیادی آرد و گندم به منزل ایشان آورد و گفت این‌ها را صاحب خانه که در مسجد اعتکاف کرده، فرستاده است. بعد فهمیدند که این عنایت الهی به آن‌ها بوده است.

سیمای فرزندگان ص ۲۸۹



آیت الله کلباسی رحمه الله

## مقابله با گران فروشان به نفع فقرا!

نسبت به دست‌گیری از فقرا، توجّهی کامل و اهتمامی وافر داشت و به امور طلاب و شاگردان خویش مخصوصاً افراد نیازمند، به نحو احسن و با جدّیت رسیدگی و پیگیری می‌نمود و نسبت به رفع احتیاجات آن‌ها اقدام می‌کرد. هنگامی که یکی از اجناس به دلایلی، ارزشی بالاتر از قیمت متعارف و متداول می‌یافت، به‌رغم آن که توان تهیه آن را با همان قیمت گزاف داشت، از خریدش امتناع می‌نمود و مصرف نمی‌کرد تا از این رهگذر هم با گران فروشان مبارزه‌ای کرده باشد و هم با فقیران و افراد کم بضاعت همگام باشد.

کاروان علم و عرفان ج ۱ ص ۹۶





شیخ محمد حسین حائری اصفهانی رحمة الله عليه

## خدمت به مردم، تالخطاتی قبل از موت!

از شیخ محمد حسین حائری اصفهانی (صاحب فصول) سؤال شد: اگر بدانی مرگت نزدیک شده و از عمرت مگر چند ساعتی باقی نمانده چه خواهی کرد؟ جواب داد: می‌نشینم روی سکوی درب منزلم برای آنکه حاجات مردم را برآورده سازم، شاید کسی بیاید و از من حاجتی بخواهد ولو آنکه آن حاجت، استخاره‌ای باشد.

◆ پندهایی از علما، ص ۳۱ ◆



شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمۃ اللہ علیہ

## قرارگاه جهادی شیخ عبدالکریم!

در حادثه سیل ۱۳۱۳ هـ ش، سیل بسیاری از خانه‌های مردم فقیر ساحل رودخانه را طعمه خود ساخت و انبوهی از آنان را آواره و بی‌خانمان کرد. در این حادثه آیه الله حائری با ارسال پیام به سایر شهرهای ایران، خواستار کمک دیگر هموطنان به این شهر سیل زده شد و انبوه کمک‌های مردم را به شهر قم سرازیر ساخت. ایشان در رسیدگی به این مهم، قطعه زمینی وسیعی را در منطقه خاکفرج که متعلق به آستانه حرم حضرت فاطمه معصومه (س) بود، خریداری نمود و با کمک دیگر اقدشار جامعه، خانه‌هایی منطبق با اصول مهندسی وقت، به منظور اسکان آوارگان احداث کرد که هم اکنون این منطقه به کوچه رهبر شهرت دارد.

گلشن ابرار جلد ۲ ص ۵۶۰





شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمۃ اللہ علیہ

## مرجع تقلید و شهرسازی؟!

در آن روزها قبرستان بزرگ قم در جوار درب شمالی حرم حضرت معصومه (س) قرار داشت و چهره ناخوشایندی به بافت قدیمی شهر داده بود و شهری که پذیرای زائران اهل بیت (ع) و محل درس و بحث طلاب علوم دینی به شمار می رفت، به صورت قبرستانی بزرگ به نظر می آمد و چه بسا این امر موجب هتک حرمت به مقبره بزرگان تلقی می شد. آیه الله حائری در این مورد نیز گام ارزشمندی برداشت و در آن سوی رودخانه که آن روزها خارج از شهر محسوب می شد، زمین وسیعی را خریداری و آن را به عنوان قبرستان عمومی شهر اعلام کرد. این قبرستان هم اکنون به (قبرستان نو) معروف است.

گلشن ابرار جلد ۲ ص ۵۶۰



شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمته الله علیه

## خدمت به مردم؛ درکنار مرجعیت و مدیریت!

آیه الله حائری کسی نبود که در مقام فقاہت و رسیدگی به امور دینی، مشکلات اجتماعی و اقتصادی جامعه را به فراموشی سپارد. او در حالی که برمسند مرجعیت تکیه زده و استوارترین انسان عصر خود به شمار می‌رفت، در مقابل مشکلات و نیازهای مردم محروم، تحمل را از دست می‌داد. از این جهت درکنار مسئولیت سخت اداره حوزه علمیه، برطرف کردن نیازهای اساسی مردم را از وظایف اصلی خویش می‌دانست. در روزگاری که بسیاری از مردم در خیابان‌های قم زندگی خود را به گدایی می‌گذراندند، وی محلی را به عنوان «خانه فقرا» اختصاص داد و مستمندان شهر را در آن مکان گرد آورد و بدین ترتیب صدقات و کمک‌های مالی مردم نیک‌اندیش را در مسیری صحیح، صرف اداره امور آنان کرد.

گلشن ابرار جلد ۲ ص ۵۵۹



شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمته الله علیه

## بدهی طلاب را پرداخت می‌کرد!

در برخورد با طلاب جوان حال و روحیه آن‌ها را مراعات می‌نمود و همواره چهره ای بشاش و بر لبهایش تبسم داشت. گاهی در سرمای دم سحر برای سرکشی و شناخت طلاب پرکار و سحر خیز، راهی مدارس می‌شد و در رفع مشکلات مالی و رفاهی آنان همواره تلاش می‌کرد. بارها می‌شد که به صاحبان مغازه‌های اطراف حرم مراجعه می‌کرد و بدهی طلابی را که از آن‌ها جنس به نسیه برده بودند، پرداخت می‌کرد.

گلشن ابرار جلد ۲





آیت الله سید محسن حسینی ارجی رحمة الله عليه

## ایتام غذايم را بخورند، من قوت مي گيرم!

نقل شده که زمانی آقا سید محسن حسینی ارجی به خاطر ابتلا به بیماری ضعیف شده بود. همسر ایشان که خود مؤمنه‌ای با تقوا و صاحب کمالات بود، از درآمد دوک ریزی، برای آقا سید مقداری برنج عنبربو، همراه کمی گوشت مرغ تهیه کرده و حاضر نمود. آقا سید محسن، وقتی غذای خوش‌عطر را مشاهده کرد خطاب به همسرش گفت: این غذا را به جهت اینکه من همسرت هستم پخته‌ای؟ یا به جهت آن که از سادات علما هستم؟ همسرش پاسخ داد: به خدا سوگند بیتم در تهیه این غذا رضای خدا و قوت گرفتن شما که عالم دین هستید، بود. آقا سید محسن پرسید: پس اجازه می‌دهی که با این غذا هر جوری که خواستم عمل کنم؟ همسرشان قبول کرد. سید غذا را برای یتیمانی که در همان نزدیکی زندگی می‌کردند فرستاد و گفت: هر گاه آنان از آن غذا بخورند به نفع من و شماست. خداوند توانا هم به من نیرو و قوت خواهد داد.

روضات الجنات ج ۵ ص ۳۰۴

شیخ زین العابدین مازندرانی رضی الله عنه



## چرا به فقرا بیشتر کمک نکردی؟

تا می توانست قرض می کرد و به مردم می داد و هر چند وقت که یکی از ثروتمندان هند به کربلا می آمد، قرض های او را ادا می کرد. از فرزند او شیخ علی معروف به شیخ العراقین نقل شده است: در یکی از سفرها که شیخ به سامرا می رود، در آن جا سخت بیمار می شود. میرزای شیرازی از او عیادت می کند و او را دلداری می دهد. شیخ می گوید: من هیچ گونه نگرانی از موت ندارم؛ لیکن نگرانی من از این است که به عقیده ما امامیه وقتی که می میریم روح ما را به امام عصر (عج) عرضه می کنند. اگر امام سؤال بفرمایند: «زین العابدین! ما به تو بیش از این اعتبار و آبرو داده بودیم تا بتوانی قرض کنی و به فقرا بدهی؛ چرا نکردی؟» من به آن حضرت چه جوابی می توانم بدهم؟ میرزای شیرازی پس از شنیدن این حرف به منزل می رود و هر چه وجوهات در آن جا داشته میان مستحقان قسمت می کند.

سیمای فرزندگان ص ۲۸۸





مرحوم آخوند خراسانی  
رحمة الله عليه

## سقای نجف و قحطی آب!

وقتی که آب نجف قطع شد و قنات موجود هم اصلاح پذیر نبود، مردم خصوصا فقرا العطش گویان به خانه مرحوم آخوند خراسانی هجوم آوردند؛ در دو شبانه روز قریب سی لیره آب به مردم داد، و به هر که آب نمی رسید، عوض یک کوزه آب، پول یک بار آب به او می داد و غالب زن ها و پیرمردها و مریض ها را پول آب می داد که از سقای کوفه، آب بخرند. ایشان خود آستین بالا زده و در حال خدمت رسانی به مردم بود و بسیار صدمه بدنی هم در این ازدحامات می خورد اما با وجود این همه صدمات با گشاده رویی آب به مردم می داد.

سیمای فرزنانگان ص ۲۴۰



حضرت آیت الله سید محمد تقی خوانساری رحمة الله عليه

## پیراهنش را برای فقیر درآورد!

حضرت آیت الله نوری همدانی، در بیان خاطرات سابق خود که محضر مرجع عالی قدر آیت الله العظمی سید محمد تقی خوانساری را درک کرده بودند، فرمودند: روزی برای زیارت و درک حضور ایشان به منزلشان رفتیم. در همین حال دیدیم ایشان هم به طرف منزل می‌آیند. به منزل که رسیدند، سائلی آمد و به ایشان گفت: پیراهن ندارم، ایشان وارد اتاقی شدند و قبای خود را از تن بیرون آوردند و بعد پیراهنشان را به سائل دادند، سپس قبای خود را پوشیدند و همان طور بدون پیراهن به کار مردم رسیدگی کردند و سؤالات ما را نیز پاسخگو بودند.

ستارگان خوانسار، ص ۴۹



حاج آقا رحیم ارباب رحمة الله عليه

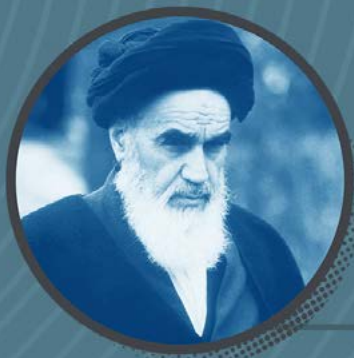
## زندگی در پستوی اتاق به خاطر همسایه!

سالی بود که در اصفهان باران شدیدی بارید و خانه‌های زیادی خراب شدند یا در شرف خراب شدن بودند. حاج آقا رحیم ارباب همسایه‌ای داشتند که آن قدر هم مذهبی نبود و چند بچه داشت. آقا به عیالشان فرموده بودند: بروید در خانه همسایه و ببینید در چه وضعی هستند. همسرشان رفته و دیده بود که زن و بچه همسایه گریه می‌کنند و اتاق آن‌ها مُشرف به خراب شدن بود. موضوع را برای آقا نقل کرد؛ ایشان فوراً آن‌ها را به منزل خود برده بودند. نکته‌ای که جالب توجه است، این است که آقا يك اتاق و پس اتاق بیشتر نداشتند و فرموده بودند: شما در اتاق زندگی کنید، من و همسرم در پس اتاق. پس از قطع بارندگی و مرمت خانه، همسایه قصد رفتن به منزل خود را نمود، در آن حال، آقا فرموده بودند: من باید ببینم اتاق، قابل زندگی کردن هست یا نه؛ بعد از آن بروید. پس از تحقیق دیده بودند منزل آن‌ها قابل سکونت است سپس فرموده بودند: حالا مختارید، می‌خواهید بمانید یا بروید، اختیار با شماست.

گلشن ابرار جلد ۳ ص ۳۶۰



حضرت امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ



## حق ندارید جلوی مردم را بگیرید!

همیشه امام در ملاقات های خود با مسئولان سفارش می کردند که شما باید خدمت گزار مردم باشید. به اعضای دفتر اخطار می دادند که مبادا با مردم بدرفتاری شود و شما حق ندارید جلوی مردم را بگیرید. هر گروهی که می آمد، امام با آنها ملاقات می کرد؛ اگر چه بنا بود ساعت ها در هوای سرد و گرم بماند و حتی بارها در حالی که برف و باران می بارید، پشت بام می آمد و به احساسات مردم پاسخ می گفت. دست وی مانند پرچمی استوار که بردوش یک قهرمان باشد، بالا می ماند. بعضی مواقع که برف می بارید و می خواستیم بالای سر ایشان چتر بگیریم، عصبانی می شدند و می فرمودند: «مگر مردم چه می کنند؟ من احتیاجی به چتر ندارم» آن قدر روح مردمی داشت که با همه گرفتاری ها و مسئولیت ها گاهی افرادی از دعوای خانوادگی و مانند آن سخن می گفتند.

سیمای فرزندان ص ۲۷۹



رحمة الله عليه

علامه سید مهدی بحر العلوم

## اگر می‌دانستی که یهودی بودی!

علامه بحر العلوم شبی موقع صرف شام، شاگردشان سید جواد «صاحب مفتاح الکرامه» را به منزل خویش احضار کرده و او را با خشم مورد عتاب قرار داده، می‌فرماید: سید جواد از خدا نمی‌ترسی؟! از خدا شرم نداری؟! شاگرد که متحیر مانده بود، تقصیر خود را از استاد جویا شد. خلاصه قضیه به این صورت بوده که سید جواد همسایه‌ای داشته که هفت شبانه‌روز چیزی برای خوردن نداشته است و خرما از بقال قرض می‌کرده که روز هفتم دیگر بقال به او قرض نداده. سید جواد اظهار بی‌اطلاعی می‌کند؛ علامه می‌گوید: همه داد و فریادهای من برای این است که چرا اطلاع نداشتی و گرنه، اگر با خبر بودی و کمک نمی‌کردی مسلمان نبودی و یهودی بودی! سپس سینی غذای بزرگی را که آماده کرده بود همراه مقداری پول به سید جواد می‌دهد، تا به همسایه‌اش برساند.

سیمای فرزندگان ص ۲۸۲



مرحوم شیخ مرتضیٰ انصاری رحمة الله عليه

## لباسی که دیگران را منحرف می‌کند!

فرزند شیخ مرتضیٰ انصاری، آقای شیخ عبدالحسین برای زنش از پارچه گران قیمتی لباس نو تهیه کرده بود. روزی آقا وارد منزلش شد، عروسش را شناخت چون آن لباس نو را پوشیده بود. فرمود: آن خانم کیست؟ عرض کردند: عروس شماست. فرمود: چرا باید عروس من این چنین لباس فاخر به تنش کند؟ آقا عبدالحسین عرض کرد: آقا مگر خداوند در قرآن نفرموده: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ» طبق این آیه خداوند زینت را برای بندگانش مباح کرده است. فرمود: ولی هیچ می‌دانی در اطراف ما چقدر افراد بی‌بصاعت و فقیر هستند که قادر نیستند از این قبیل لباس برای اهل و عیالشان تهیه کنند. وقتی دیدند ما از این لباس‌ها می‌پوشیم در روحیه و در عقیده‌شان اثر سوء می‌گذارد.

زندگانی وحید بهبهانی، ص ۱۷۲





مرحوم شیخ انصاری

## پول عبادت استیجاریم را به سید بدهید!

یکی از علمای بزرگ نقل می‌کند که به شیخ عرض کردم: فلان سید که از فضیلتی عصر است بسیار مضطر شده و همسر او بیمار است. شیخ فرمود: «هیچ پولی نزد من نیست جز مبلغی برای نماز و روزه استیجاری، خوب است دو سال عبادت به او بدهم». عرض کردم: فلانی آقا زاده و از خانواده‌های شریف است، چنین کارهایی نکرده و علاوه بر آن محصل است و این کارها با تحصیل منافی است. شیخ تأملی کرد و فرمود: «پس من دو سال عبادت را خودم به جا می‌آورم و اجرتش را به شما می‌دهم تا به سید بدهید».

سیمای فرزندان ص ۲۹۰

حضرت آیت الله بروجردی  
رحمة الله عليه

## پول یک چادر کم است!



حضرت آیت الله نوری همدانی نقل می کنند: حضرت آیت الله بروجردی، یک وقتی در بیرونی منزلشان نشسته بودند. خانمی وارد شد و آقا آن خانم را دیدند. به خادم خود فرمودند: ببینید این خانم چه می خواهد. خادم گفت: این خانم علویه است، پول یک چادر می خواست؛ پنجاه تومان به ایشان داده شد. آقا تا اسم علویه را شنیدند، فرمودند: علویه و پنجاه تومان؟! گویی ایشان، پنجاه تومان را برای علویه توهین دانستند. در حالی که در آن زمان، پنجاه تومان کم پولی نبود. فرمودند: اقلأ چهارصد-پانصد تومان به آن خانم بدهید. به طور کلی، همیشه اشخاصی که نزد ایشان می آمدند، بیش از آن مقداری که اشخاص توقع داشتند به آنان عنایت می کردند.

پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت الله نوری همدانی



مرحوم ابن فهد حلی  
رحمة الله عليه

## نزدیک‌ترین فرد به پیامبر!

از حاج ملا محمد صالح برغانی نقل شده است: پدرم گفت: در خواب دیدم پیغمبر اکرم (ص) نشسته است و علما در خدمت پیامبر نشسته اند و مقدم بر همه ابن فهد حلی جای دارد. تعجب کردم که این همه علما با آن مقامات و شهرت چگونه است که همه در مقامی پایین تر از ابن فهد جای دارند با این که ابن فهد را میان علما چندان شهرتی نیست؟! از این رو، راز موضوع را از پیامبر خدا (ص) پرسیدم. رسول خدا (ص) فرمودند: « علت این است که دیگر علما هنگامی که فقیر به آنان مراجعه می کرد اگر از مال فقرا نزد ایشان بود به او می پرداختند و گرنه جواب می کردند. اما ابن فهد هرگز فقیران و نیازمندان را از نزد خود محروم باز نمی گرداند و اگر از مال فقرا نزد او نبود، از مال خود می پرداخت. او این جایگاه را از این کار یافت.»

سیمای فرزندگان ص ۲۸۴



ملا عباس تربتی رحمة الله عليه



## قرارگاه جهادی در دل جنگ ایران!

در سومین سال جنگ جهانی اول (حدوداً ۱۲۹۶ ه ش) به سبب عدم بارندگی، قحطی شدیدی رخ داده بود. در آن سال با کوشش ملاعباس و دیگر خیرخواهان تربت حیدریه، جایگاهی تأسیس شد تا به افرادی بضاعت کمک شود. پس از ذخیره سازی انواع حبوبات، چون: گندم، جو، ماش، ارزن و عدس، عده ای به پختن غذا مشغول می شدند. ملاعباس همه روزه بعد از نماز صبح به کنار دیگ های بزرگ آمده و از چگونگی کار آشپزها آگاه می شد. با پخته شدن غذا، مردم گروه گروه می آمدند و سهمیه خود را می گرفتند. در ضمن برای فقرای محل جایگاهی ترتیب داده بود تا شبانه روز در آن جا سکونت داشته باشند.

گلشن ابرار جلد ۴ ص ۳۷۶



شهید آیت الله قاضی طباطبائی  
رحمة الله عليه

## شهیدی که ۲۰۰ خانه برای فقرا خرید!

ویژگی جالب توجه ایشان در بعد اجتماعی که می‌تواند سرمشق مسئولان باشد، تلاش و اقدام عملی در رفع مشکلات مردم بود. وی با مردم زندگی می‌کرد و از نزدیک با مسائل و مشکلات مردم آشنا بود. افراد کم بضاعت و محروم تبریز، در مواجهه با وی احساس حقارت و کوچکی نمی‌کردند. او درباره مسائل اخلاقی سخنرانی نمی‌کرد بلکه با عمل خود به اخلاق اجتماعی - اسلامی عینیت می‌بخشید. «هیئت مستمندان تبریز» الان هم هست. آقا افراد مطمئن و قابل اعتماد را جمع کرد که برای تحقیق بروند و می‌گفت هر کسی را نباید برای این کار فرستاد و تحقیقاتشان باید مخفی باشد که آبروی مردم نرود. از جمله، فعالیت گسترده‌ای در تهیه خانه برای مستضعفان و محرومان تبریز داشت و در این تلاش بیش از دویست خانواده را صاحب خانه کرده بود.

مصاحبه مجله شاهد یاران با فرزند شهید





حضرت آیت الله بروجردی  
رحمته الله علیه

## حمایت آیت الله از دختر روستایی!

آیت الله بروجردی همواره بر حفظ حرمت مسلمانان تأکید می نمود و هر زمان احساس می کرد حق مسلمانی در حال تضییع شدن است بدون هرگونه ملاحظه ای جهت احقاق حق و صیانت از حقوق او قیام می کرد. از جمله اقدامات آیت الله بروجردی در این راستا، حمایت ایشان از یک دختر روستایی بود که مورد تعرض و سپس قتل قرار گرفته بود. این دختر پس از سکونت در یکی از مسافرخانه های قم مورد تجاوز مدیر مسافرخانه واقع شد و سپس توسط همین مرد به قتل رسید. دادگاه پس از بررسی جریان، حکم به برائت مدیر مسافرخانه داد اما وقتی آیت الله بروجردی متوجه ماجرا شد نتوانست در مقابل خون به ناحق ریخته شده یک دختر روستایی سکوت کند و به شدت از حکم برائت آن مرد انتقاد کرد تا آن جا که این حکم، تبدیل به حکم اعدام در ملاء عام شد.

خاطرات آیت الله صابری همدانی ص ۹۷



آیت الله مرعشی نجفی  
رحمة الله عليه

## ما فقط عامل کمک به دیگرانیم!

من شب که می‌خوابم هیچ پولی، هیچ اندوخته‌ای در جیبم نیست چون ما عامل هستیم. ما باید از این دست بگیریم و با دست دیگر بدهیم به فقرا، ایتام، نیازمندان و کمک کنیم به مراکز علمی، دینی و فرهنگی؛ این‌ها مال ما نیست. شب آخر عمرشان هم فرمود: من خیلی بارم سبک است و هیچ نگرانی ندارم تنها یک چیز مرا زجر می‌دهد و آن این است که می‌ترسم در ایام زندگی‌ام نوشته من یا صحبت‌های من در هر موردی باعث شده باشد که حقی ناحق شود، یا در همسایگی ما گرسنه‌ای بوده باشد و ما غذای سیر خورده باشیم که و الله و بالله و تالله اگر چنین چیزی بوده من آگاهی نداشته‌ام و نصیحت می‌فرمودند که شما هم بارتان را سبک کنید و از تجمل پرستی و خانه بزرگ و ... بپرهیزید، که همه چیز طی چند دقیقه نابود می‌شود.

فقهای نامدار شیعه، ص ۴۱۳



حضرت علامه طباطبائی  
رحمة الله عليه

## وام بلاعوض علامه به فقرا!

پدرم از درآمد زمین زراعی که داشت، به روستائینی که نیازمند بودند وام می‌داد و رسید می‌گرفت و چنان‌چه کسی بعد از دو فصل برداشت محصول قادر به پرداخت بدهی خود نبود، آن را بخشیده و قبض را به خودش پس می‌داد و از طلب خود صرف‌نظر می‌کرد. یک بار چند قبض دست پدرم بود که از این واسطه‌ها طلبکار بود. آن روز من دیدم قبض‌ها را از جیب خود درآورد، مدتی به آنها نگریست و ناگهان همه را پاره کرد و دور ریخت؛ در حالی که بیش از حد تصور به پول برای گذراندن معاش عادی احتیاج داشت. من با تعجب پرسیدم: پدر چرا این کار را کردید؟ نگاهی عمیق به من کرد و گفت: «پسرم! اگر داشتند، می‌آوردند و می‌دادند. خدا را خوش نمی‌آید که من بدانم آنها دستشان خالی است و آنها را تحت فشار قرار دهم و ابراز طلب‌کاری کنم!»

سایت دارالقرآن علامه طباطبائی





شهید آیت الله سعیدی  
رحمة الله عليه

## فقرا، محور توجه آیت الله!

پدرم خیلی به وضعیت فقرا و نیازمندان توجه می کرد. یک روز وقتی به خانه آمد دیدیم فقط قبا بر تن دارد. پرسیدم: آقا جان! عبایتان کجاست؟ با کمی تأمل پاسخ داد: در مسیری که از مسجد باز می گشتم، مرد فقیری را دیدم که از سرما می لرزید. عبایم را به او دادم چون من قبا داشتم. یک مرتبه نیز همسایه مان که راننده تاکسی و مرد نیازمندی بود، به من گفت: یک شب دیدم صدای نفس نفس زدن مردی در راه پله ساختمان می آید، وقتی به راهرو آمدم، دیدم حاج آقا سعیدی یک گونی زغال را روی دوشش گرفته و برای ما می آورد. خیلی شرمنده شدم. او که می دانست ما در سرمای زمستان نیاز به زغال داریم، شخصاً آن را تهیه کرده و برایمان آورده بود.

پایگاه اطلاع رسانی حوزه به نقل از  
فرزند شهید آیت الله سعیدی





آیت الله غروی اصفهانی رحمة الله عليه

## ثروتی که از آن هیچ نماند!

حضرت آیت الله بهجت نقل می‌کردند: آیت الله حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی اهل مراقبه، سکوت و محاسبه بود. پیوسته در فکر بود و سخن به ندرت می‌گفت. در مجالس و محافل که بین علما بحثی در می‌گرفت سکوت می‌کرد. در هر جای مجلس که خالی بود می‌نشست و بسیار متواضع، خوش اخلاق و آرام بود. با آنکه ثروت فراوانی از پدرش - که از تجار معروف و سرمایه‌دار کاظمین بود - به او رسیده بود، همه را به فقرا و طلاب می‌داد و خود چیزی نداشت؛ بلکه می‌گویند: در اواخر عمر با فقر دست به گریبان بود، ولی دلی شاد و سیمایی متبسم و قلبی استوار داشت که حکایت از روحیات عظیم و مواهب معنوی او داشت.

◆◆◆ فریادگر توحید، ص ۸۳ ◆◆◆



مرحوم میرزای شیرازی رحمة الله عليه

## مرجعی که تجّار را خادم فقرا کرد!

علامه سید حسن صدر می نویسد: میرزای شیرازی بزرگ درهر شهر وکلایی از تجّار داشت که فهرست اسامی فقرای آن شهر را برای آنان فرستاده بود و میزان کمک به آنها را نیز معین می کرد. این فقرا غیر از کسانی بودند که در هر ماه و سال پول دریافت می کردند. نه تنها تمام شهرهای عراق بلکه نقاط مختلف ایران مورد توجه میرزا بود و به تنگدستان آن شهرها به اندازه توان کمک می کرد. اگر در جایی عالمی بود که به او اعتماد داشت، هر سال مبلغی پول برایش می فرستاد تا او آن را بین تنگدستانی که شرایطش را داشتند، تقسیم کند.

سیمای فرزندگان ص ۲۹۱



مرحوم کاشف الغطاء  
رضی الله عنه

## گرو گذاشتن منزل برای فقرا!

در سرگذشت شیخ جعفر کاشف الغطاء نوشته اند: آن قدر به مستمندان رسیدگی می کرد و در رفع مشکلات آنان فعال و از خود گذشته بود که در بیشتر سال ها هر چه داشت انفاق می کرد و وقتی دستش از همه جا کوتاه می گشت، خانه مسکونی خویش را رهن می گذاشت و پولش را به فقرا می بخشید! از آن پس، از استفاده و سکونت در خانه محروم بود تا در مسافرت ها پولی تحصیل کند و منزل را از گرو آزاد سازد.

سیمای فرزنانگان ص ۲۸۹





حکیم محمد رضا الهی قمشه ای رحمة الله عليه

## خدمت جهادی در بحران خشک سالی!

شهِید مطهری درباره خصوصیات اخلاقی آقا محمدرضا حکیم قمشه‌ای چنین می‌نویسد: وی مردی به تمام معنی وارسته و عارف مشرب بود. هرگز جامه روستایی خود را از تن دور نکرد. در جوانی ثروت زیادی داشت ولی در خشک‌سالی ۱۲۵۰ هـ ش [که یک دهم جمعیت ایران بر اثر گرسنگی جانشان را از دست دادند] تمام اموال منقول و غیر منقول خود را صرف نیازمندان کرد و تا پایان عمر درویشانه زیست.

سیمای فرزندگان ص ۲۸۴





آیت‌الله محمد تقی نجفی اصفهانی رحمة الله علیه

## شراکت با چند هزار فقیر!

فرزند ایشان نقل می‌کند: در سال‌های آخر عمر، از مال خود دست‌گیری بسیار از فقرا می‌کرد و تعداد کسانی که به آن‌ها کمک می‌کرد به چند هزار نفر می‌رسید. اما در مدت دو سال آخر عمرشان، به اندازه‌ای در این باب مبالغه داشت که بنابر تخمین، معادل یک سوم دارایی خود را به مستحقان بخشید.

کتاب خانه مشروطیت اصفهان

# سایر مجلدات این مجموعه

امامین انقلاب

چهل گفتار

پیرامون جایگاه و اهمیت  
خدمات رسانی اجتماعی

علما و مراجع

چهل گفتار

پیرامون جایگاه و اهمیت  
خدمات رسانی اجتماعی

اهل بیت علیهم السلام

چهل گفتار

پیرامون جایگاه و اهمیت  
خدمات رسانی اجتماعی

علما و اساتید

چهل هنرمند

پیرامون جایگاه و اهمیت  
خدمات رسانی اجتماعی

مدیر حوزه‌های علمیه

چهل گفتار

پیرامون جایگاه و اهمیت  
خدمات رسانی اجتماعی

اهل بیت علیهم السلام

چهل کردار

پیرامون جایگاه و اهمیت  
خدمات رسانی اجتماعی



## دسترسی به نسخه الکترونیک و سایر تولیدات جهادگران حوزوی

جهادگران حوزوی | راههای | ارتباطی | مجموعه

قم، بلوار محمد امین صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، مدرسه علمیه معصومیّه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ،  
دبیرخانه هماهنگی گروه‌های جهادی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

• ۲ ۵ ۳ ۲ ۹ ۴ ۲ ۱ ۱ •

www.jahadgaranhowzavi.com

شعار «خدمت‌رسانی برای تحقق عدالت و پیشرفت»  
را همگانی کنید. منظومه معرفتی اسلام در این باره را  
که مشتمل بر صدها درس از لزوم انفاق و لزوم تعاون  
در برّ و تقوا و لزوم نفع رساندن به مردم و لزوم قیام به  
قسط و امثال این‌ها است، در برابر میلیون‌ها جوان  
کشور بگذارید.

  
رهبر معظم انقلاب اسلامی  
۱۱ مرداد ۱۳۹۸



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه  
دبیرخانه جهانی گروه‌های جهادی